

## نقش خانواده و مدرسه در پرورش ارزش کرامت اخلاقی

سیداحمد فقیهی / کارشناس ارشد علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

rahmannia88@gmail.com

سیداحمد فقیهی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پذیرش: ۹۴/۲/۲۶

دریافت: ۹۳/۶/۲۹

### چکیده

پرورش کرامت انسانی را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف در نظام تربیتی اسلام در نظر گرفت. منظور، نه کرامت ذاتی انسان، بلکه کرامت اکتسابی مراد است. شاید بتوان ادعا نمود که غایت همه فعالیت‌های تربیتی شکوفا ساختن و بالفعل رساندن این نوع کرامت در ساحت وجودی انسان می‌باشد.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، از بین عوامل گوناگون تأثیرگذار بر پرورش کرامت، عاملیت «خانواده» و «مدرسه» را مورد بررسی قرار داده است که نقشی ویژه در پرورش کرامت اخلاقی آنها ایفا می‌نمایند. برهمین اساس در یک‌سوی «توجه به جنبه الگویی والدین»، «رابطه عاطفی والدین و فرزندان» و «اعتدال در محبت‌ورزی» در خانواده؛ و در سوی دیگر، «توجه به اهداف تربیت» و «الزامات اخلاقی مریبان و رابطه آنها با متریبان» و نیز عامل «دوستان و همسالان» در مدرسه، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که متناسب با ویژگی‌های خانواده و مدرسه، محوریت یافته و در شکوفایی و پروراندن کرامت اخلاقی فرد اثرگذار خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مدرسه، پرورش، کرامت اخلاقی.

## مقدمه

گردد که معلم در مواجهه با دانش آموز موارد اینچنینی را ملاک رفتار آموزشی خود قرار دهد. نیز به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی، توهین و تحقیر فرد در فضاهای آموزشی و تربیتی (خانه یا مدرسه) جایز نمی‌باشد.

نظر به مسئله کرامت با نگاه تربیتی، در برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع تعلیم و تربیت تدوین شده، تحت عنوان مبانی یا اصول تربیت، اشاراتی به مسئله کرامت شده است؛ در این میان، برخی پژوهشگران از کرامت به عنوان «مبانی انسان‌شناختی» یاد نموده‌اند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰). همچنان‌که نویسنده دیگری در مقاله خویش از کرامت تحت عنوان «اصل تربیتی» تعبیر نموده است (نقدی، ۱۳۸۰). در پژوهشی دیگر، فارغ از اصل یا مبنا بودن، از کرامت تنها در قالب یک مفهوم عام ارزشی تعبیر شده است و البته نویسنده شیوه‌هایی نیز برای پرورش این ارزش ذکر نموده است (فرهادیان، ۱۳۷۶).

پژوهش‌های مذکور تا حدی به عنوان بخشی از کتاب یا مقاله خود، به موضوع مورد بحث، و به تناسب عنوان پژوهش، به جنبه‌هایی از کرامت اشاره نموده‌اند. اما آنچه طی بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته به دست آمده اینکه به صورت خاص، پرداختن به عوامل پرورش کرامت در متریان، منظور نظر نویسندگان نبوده؛ از این رو، مقاله حاضر در تلاش است به شکلی نوآورانه این مسئله مهم را به بحث گذاشته و حتی الامکان پاسخی مناسب برای آن ارائه دهد. مهم‌ترین پرسش‌های مورد بحث عبارتند از:

۱. کرامت اخلاقی و تربیتی دارای چگونه ماهیتی است؟
۲. آیا می‌توان کرامت را در متربی، قابل پرورش دانست؟

از نگاه قرآن کریم، هرچند بنی آدم از بدو خلقت دارای کرامت تکوینی می‌باشند، ولی چنین کرامتی، اخلاقی شمرده نمی‌شود؛ چراکه اخلاق در سایه فعل ارزشی اختیاری آگاهانه معنا می‌یابد. کرامتی که در پرتو اخلاق و اتصاف به صفات نیک اخلاقی، حاصل می‌آید کرامت اکتسابی و ارزشی نام دارد (ر.ک: اسراء: ۷۰؛ حجرات: ۱۳). کرامت تکوینی با توجه به ویژگی ذاتی بودن آن، قابلیت انتقال و پرورش را دارا نیست؛ اما نیل به کرامت اکتسابی در گرو آراستگی به صفات شایسته و مبادرت به کسب فضایل و ترک رذایل می‌باشد. براین اساس، نظام آموزشی موظف است هرچه بیشتر متربی را در جهت اکتساب فضایل و اجتناب از آلودگی‌های اخلاقی مصمم تر نموده، تا از این رهگذر، زمینه پرورش کرامت اکتسابی و اخلاقی در متربی فراهم آید. البته این مهم مشروط به عواملی است که از آن به «عوامل شکوفایی کرامت ارزشی و اخلاقی» تعبیر می‌نماییم.

در نظام تعلیم و تربیت، از جمله مهم‌ترین موانع پیش‌رو، غفلت و یا کم توجهی نسبت به کرامت متربی است که موجب بروز پیامدهای سوء و در برخی موارد، جبران‌ناپذیر تربیتی و آموزشی در افراد می‌گردد. بدیهی است که برای مصون نگه داشتن کودکان و نوجوانان از چنین صدمات و آسیب‌هایی، توجه به ارزش کرامت و سعی در پروراندن و شکوفاسازی آن، همواره باید مدنظر تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان و مربیان در نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد.

جهت دیگر ضرورت بحث از پرورش کرامت، را می‌توان ناظر به دلالت‌های تربیتی این ارزش بنیادین دانست؛ از جمله اینکه موقعیت ویژه اجتماعی یا رفاهی و طبقاتی خانواده و یا والدین یک دانش آموز نباید موجب

پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد و برخاسته از اراده و تلاش انسان و معطوف به تحصیل تقوا و اکتساب فضایل و ارزش‌های اخلاقی می‌باشد، به همین جهت، می‌توان از آن به کرامت ارزشی نیز تعبیر نمود. با در نظر گرفتن این کرامت، نه همه انسان‌ها برتر از دیگر موجوداتند و نه همه آنها فروتر یا مساوی با دیگر موجودات هستند، بلکه ملاک فراتری و یا فروتری، بهره‌مندی و یا بی‌بهره بودن از این نوع کرامت است (رجبی، ۱۳۸۱، ص ۸۵).

بنابراین، کرامت در این معنا براساس اعمال اختیاری انسان شکل گرفته و مراد از آن، همان شرف و حیثیت و ارزشی است که با تلاش اختیاری شخص و در مسیر تزکیه نفس و تحصیل معرفت و تقرب به خداوند به دست می‌آید (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۵۶).

#### خانواده و مدرسه؛ دو عامل مهم پرورش کرامت اخلاقی

در بحث از پرورش کرامت، به عوامل گوناگونی از قبیل وراثت، محیط، جامعه، حکومت، رسانه‌ها و... می‌توان اشاره نمود و هر کدام از این عوامل نیز به نوبه خود، نقش قابل توجهی در شکوفایی کرامت فرد دارند. اما در این میان برای «خانواده» و «مدرسه» به منزله دو نهاد اثرگذار در تعلیم و تربیت، باید نقشی ویژه و کاملاً جداگانه در نظر گرفت. این نقش ممتاز، ناظر به مؤلفه‌هایی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

#### ۱. خانواده

خانواده به منزله بستر زمینه‌ساز احساس کرامت، عاملی مهم در جهت شکوفاسازی کرامت فرزندان به شمار می‌رود. خانواده اولین نهاد اجتماعی است که در آن

۳. مدرسه، تا چه میزان و چگونه در شکوفاسازی کرامت دانش‌آموز مؤثر است؟

۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر پرورش کرامت فرزندان، در فضای خانواده، کدامند؟

#### تعریف کرامت

«کرامت» در لغت به معنای شرافت، خوی و کردار ستوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۸) آمده است.

در اصطلاح، کرامت همان نزاهت از فرومایگی است؛ یعنی روح بزرگواری و منزله از هر پستی (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۲۹).

کرامت نوعی بزرگی است که از مرتبه وجودی یک موجود انتزاع می‌شود و دارای دو رکن سلبی و ایجابی است؛ رکن سلبی عبارت است از نزهت آن موجود از عیوبی که منافی کمالش می‌باشد، و رکن ایجابی عبارت است از رغبت برای مبادرت به انجام چیزی که مقتضای کمالش می‌باشد (عرب‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

#### انواع کرامت

مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی، امکانات و مزایای بیشتری دارد یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتری صورت پذیرفته و در هر حال، از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است. این کرامت به اختیار انسان ربطی ندارد و انسان چه بخواهد و چه نخواهد، از این کرامت برخوردار است. چنین کرامتی مشترک بین همه انسان‌هاست و بدون تلاش و به صورت خدادادی به همه بنی‌آدم اعطا شده است (رجبی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵).

کرامت اکتسابی ناظر کمال‌هایی است که انسان در

از ویژگی‌های این خانواده، انضباط همراه رفتار خودمختارانه است. والدین هرگاه از کودک انتظاری خاص داشته باشند، برای او دلیل آن را ارائه می‌دهند و هریک از اعضا مسئولیتی را به عهده می‌گیرد؛ زیرا همه افراد خانواده قابل احترامند و صلاحیت اظهار نظر درباره مسائل مربوط به خود را دارند.

در مقابل، در خانواده‌های مستبد، کودکان از احترام کافی برخوردار نیستند، نیاز کودک به محبت و امنیت مورد تهدید قرار گرفته و منجر به احساس بی‌پناهی و تنهایی در او می‌شود. این رفتار والدین می‌تواند در اشکال مختلف متجلی گردد؛ از جمله: بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به کودک، نفی او، تهدید و تنبیه کودک، تحقیر او در حضور دیگران و مقایسه غیر عادلانه با سایر کودکان (همان).

**۱-۲. محبت‌ورزی و نقش آن در پرورش کرامت فرزندان:** محبت، تأثیر فراوانی در تعادل روح فرزند در محیط خانواده دارد. کودکی که در محیط گرم محبت پرورش می‌یابد، دارای روانی شاد است و به زندگی دلگرم بوده و خود را در این جهان تنها نمی‌داند. در پرتو محبت، صفات عالی انسانیت، عواطف و احساسات کودک نیز به خوبی پرورش می‌یابد و نتیجه‌اش، پرورش انسانی متعادل خواهد بود (امینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

فرزندانی که در دوران کودکی و نوجوانی به مقدار کافی از محبت پدر و مادر بهره‌مند بوده‌اند دارای اراده قوی و روان سالم می‌باشند. بعکس افرادی که در خانواده‌های خشن زندگی می‌کنند، در بزرگسالی با مشکلات روحی مواجه می‌شوند و احساس حقارت می‌کنند. با محبت، احساسات و عواطف عالی کودک شکفته می‌شود (همان).

بنابراین، خانواده، مهم‌ترین بستر گسترش محبت در میان افراد جامعه است. والدین با محبت خود در تکوین

کودک زندگی خود را آغاز می‌کند، خانواده هسته اصلی جامعه تلقی می‌گردد و ساختار اصلی شخصیت فرد در خانواده شکل می‌گیرد (دلشادتهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸).

زمینه شکل‌گیری بسیاری از صفات اخلاقی، خانواده می‌باشد. محیط خانواده تأثیر زیادی بر پرورش فضایل اخلاقی، یا رشد رذایل دارد، بنابراین، باید سنگ‌بنای کرامت فرد را خانواده دانست.

**۱-۱. نقش سبک تربیتی والدین در کرامت‌بخشی به فرزندان:** براساس شیوه‌های تربیتی والدین نیز، مسئله کرامت فرزندان اهمیت مضاعفی می‌یابد. تکریم کودک از سوی والدین موجب می‌گردد او نیز به والدین احترام بگذارد. این احترام، او را فردی مستقل و با عزت‌نفس بار می‌آورد. البته این حق محدود به دوره خاصی نشده و از حقوقی است که از کودکی شروع شده و در تمام دوران رشد او ادامه دارد (مه‌دوی، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

در پرتو این تکریم می‌توان او را به کارهای نیک تشویق نمود و از کارهای بد برحذر داشت. همچنین اگر نیاز به تکریم در خانواده تأمین نشود و کودک مورد تحقیر قرار گیرد، شخصیت وی دچار لطمه شده و خود را ضعیف می‌پندارد و به تدریج برای تن دادن به هر عمل زشتی آماده خواهد بود (همان، ص ۲۳۱).

تأکید بر جنبه‌های عاطفی فرزندان سهم قابل توجهی در احساس کرامت فرزندان دارد. والدینی که در تربیت بر بعد محبت تکیه می‌کنند دارای نگرش «پذیرا» هستند. والدین پذیرا بیشتر به پذیرش رفتار، تشویق، مهربانی، دادن آزادی زیاد و داشتن توقع به میزان توانایی جسمی و روانی گرایش دارند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۷). فرزندان این‌گونه خانواده‌ها به موقع از محبت والدین استفاده می‌کنند، و شخصیت آنها در خانه مورد احترام است، خوداتکایی بیشتری از خود نشان می‌دهند و عزت نفس بالایی دارند.

اختلال حواس (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱).  
 اول مدرسه‌ای که بچه دارد دامن مادر است. مادر خوب بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستگه اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند، حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه‌ها اثر دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۵۷).  
 در روایات اسلامی نیز محبت به کودک به صورت‌های مختلف توصیه شده و اولیای اسلام به پیروان خود در این باره سفارش‌های مؤکدی نموده‌اند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان رثوف و مهربان باشید» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۶۵).  
**۱-۳. سیره معصومان علیهم‌السلام در محبت‌ورزی نسبت به کودکان:**  
 در سیره معصومان علیهم‌السلام و روایات، شیوه‌های خاصی برای محبت‌ورزی نسبت به کودک بیان شده است. یکی از نکات مهم در این سیره این است که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، به محبت گفتاری اکتفا نمی‌فرمایند و به صورت عملی و رفتاری نیز سعی دارند که محبت به کودک چشمانده شود و کودک با تمام وجود آن را دریافت نماید.  
 در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «همه روزه صبح دست محبت به سر فرزندان خود می‌کشید» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۱۱۴).  
 مفصل بن عمر می‌گوید: بر امام کاظم علیه‌السلام وارد شدم، دیدم آن حضرت فرزندش علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را در دامن خود نشاند و او را می‌بوسد و زبانش را می‌مکد و گاه بر شانه‌اش می‌گذارد و گاه او را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید: پدرم فدای تو باد! چه بوی خوشی داری و چه اخلاق پاکیزه‌ای؛ و چه روشن و آشکار است فضل و

شخصیت سالم و توانا، باتقوا، مفید و مورد احترام فرزندان نقشی انکارناپذیر دارند. در پی‌ریزی شخصیت کودک، هیچ عامل اجتماعی به پایه محیط کوچک خانواده نمی‌رسد، کانون خانواده آموزشگاه مقدس محبت است (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۰۰).  
 محبت و خوش‌رفتاری، نقش بسیار مهمی در تربیت و به طور خاص در شکوفاسازی احساس کرامت فرزند دارد. محبت، احساسات پاک کودک را شکوفا می‌سازد و به او اجازه می‌دهد با روحیه‌ای شاد و روانی آرام استعداد‌های نهفته خویش را نمایان سازد.  
 محبت پدر و مادر نسبت به فرزند، یک امر طبیعی است که باید همواره باقی بماند و هیچ‌گاه خدشه‌دار نگردد؛ چون فرزند همیشه بدان نیاز دارد. ممکن است پدر و مادر از بعضی کارهای فرزند خود ناراضی باشند، لیکن محبت پدر و فرزندی را نمی‌توان نادیده گرفت. فرزند باید همیشه احساس کند که محبوب والدین خود می‌باشد، گرچه در مواردی، از جهت رفتار بدش، مورد تنبیه قرار گرفته است. بنابراین، به پدران و مادران توصیه می‌شود که محبت را هیچ‌گاه وجه‌المعامله قرار ندهند. این درست نیست که بعضی از پدران و مادران، محبت خود را وسیله نفوذ در فرزند قرار دهند؛ مثلاً، به او بگویند: «این کار را بکن تا مامان، تو را دوست بدارد»، یا «اگر فلان کار را انجام دادی، بابا تو را دوست ندارد»، یا «چون این عمل را انجام داده‌ای، تو را اصلاً دوست ندارم» (امینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).  
 البته ناگفته نماند که نقش مادر در تربیت کودک، بیشتر از نقش سایر اعضای خانواده بوده، و مهر و محبت مادری از هر غذایی برای طفل مفیدتر است. از این رو، کودکانی که از مهر و محبت مادری محرومند، غالباً اوصافی این‌گونه دارند: کندی در تکلم، کاهش بهره هوشی، کمی فعالیت، تعویق رشد و نمو بدنی، اختلال عاطفی، پرخاشگری و

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «فرزندان خود را کرامت کنید و با آداب نیکو با آنها معاشرت نمایید تا آمرزیده شوید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۹۵).

۱-۴. اعتدال در محبت‌ورزی به فرزندان: ذکر این نکته ضروری است که پدران و مادران باید در اعمال محبت نسبت به فرزندان حد اعتدال را رعایت کنند و از افراط در محبت بپرهیزند؛ زیرا همان‌گونه که محبت‌ورزی آثار سازنده‌ای دارد، افراط در محبت آثار مخرب و ویرانگری دارد. از این‌رو، یکی از علل پیدایش عقده حقارت، زیاده‌روی در اعمال محبت نسبت به کودک است. اطفالی که بیش از اندازه مورد مهر و محبت واقع می‌شوند، لوس و از خودراضی بار می‌آیند و در طول ایام حیات بخصوص در مواقع برخورد با مشکلات زندگی، به سختی دچار احساس حقارت و پستی می‌شوند و به اعمال ناشایستی دست می‌زنند و در بعضی از مواقع، ناراحتی‌های روانی و فشارهای روحی موجب دیوانگی و خودکشی آنان می‌شود.

افراط در محبت برای کودک، پرتوقعی ایجاد می‌کند و او را واهی دارد که گمان کند همیشه باید مورد نوازش باشد (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵). از این‌رو، اسلام در برنامه تربیت کودک، والدین را از زیاده‌روی در محبت‌ورزی برحذر داشته است. آثار منفی محبت بیش از حد به فرزند، شاید از آثار منفی کمبود محبت بیشتر باشد. سلطه‌جویی و پرتوقعی کودک، نازپروردگی، ضعف روحی، زودرنجی و خودپسندی را می‌توان از آثار محبت بیش از حد به کودک دانست. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بدترین پدران، کسانی‌اند که نیکی به فرزندان، آنان را به ورطه افراط کشاند» (فلسفی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۳).

توجه به این نکته لازم است که این دوست داشتن، به تنهایی مشکلی ایجاد نمی‌کند، آنچه ناپسند و مضر است

دانش تو (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶).

امیرمؤمنان علی علیه السلام رابطه عاطفی پیامبر صلی الله علیه و آله را با خود این‌گونه توصیف می‌فرماید: کودکی خردسال بودم که رسول خدا من را بر دامان خود می‌نشاند، در آغوشم می‌گرفت و به سینه خود می‌چسباند. گاه مرا در بستر خود می‌خوابانید و از محبت و دوستی، صورت خویش را بر صورت من می‌گذاشت و مرا به استشمام بوی لطیف خود وامی‌داشت. برای من هر روز از سجایای پسندیده خود پرچمی می‌افراشت و امر می‌فرمود که عملاً از اخلاق آن حضرت پیروی کنم (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۳۹۹).

ذکر این نکته نیز خالی از وجه نیست که اساساً در برخی روایات با مضامین واحد، بوسیدن فرزند به عنوان یک روش مؤکد و ثابت مورد تأکید ویژه قرار گرفته و روی این امر تأکید شده که والدین به هیچ‌وجه از بوسیدن فرزندانشان دریغ نمایند. در اینجا از باب نمونه، به چند روایت اشاره می‌کنیم:

«فرزندانتان را زیاد ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسه‌ای در جه‌ای است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۰۲).

نیز روایت شده: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: تاکنون هیچ کودکی را نبوسیده‌ام؛ وقتی بیرون رفت، پیامبر به اصحاب فرمود: این مرد اهل دوزخ است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۴، ص ۹۲).

همچنین در برخی روایات، معصومان علیهم السلام با به‌کارگیری روش تشویقی و یا برشمردن آثار و برکات محبت‌ورزی، به صورت خاص والدین را متوجه این وظیفه حساس تربیتی‌شان می‌نمودند؛ آثاری همچون جلب رحمت الهی و یا غفران الهی. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردی که نسبت به فرزندان خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگوار است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۷). نیز در همین رابطه

اکرم کرامت می آموزد و انسان را کریم می سازد. پس معلم شما خدای اکرم است؛ یعنی محور تعلیم و تربیت دین الهی کرامت است» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۴۲).

۲-۱. توجه معلم به جنبه خلیفه‌اللهی انسان در برخورد با دانش‌آموزان: انسان، خلیفه خداست و این مقام والاترین و بالاترین مقامی است که یک موجود می تواند به آن نایل شود. خداوند متعال با لطف خاص خویش جامه خلافت را بر قامت انسان پوشانید و او را اشرف مخلوقات قرار داد. چنان‌که در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۳۰)؛ هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: پروردگارا، آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خون‌ریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم، پروردگار فرمود: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.

متناسب با این جهت مهم، مسئولان و اولیای مدرسه باید با در نظر گرفتن ارزش و کرامت انسان با دانش‌آموزان رفتار نمایند؛ از این رو، رفتار مبتنی بر کرامت انسانی و تکریم مضاعف از جانب معلمان و مدیران و مسئولان امور مدرسه با دانش‌آموزان یک ضرورت است.

اساساً یکی از مهم‌ترین نقش‌های انبیای الهی به عنوان معلمان حقیقی بشریت که آن را می توان نقطه عزیمت رسالت خطیر و سنگین هدایت ایشان تلقی نمود عبارت است از رجعت‌دهی انسان‌ها به خویشتن حقیقی‌شان و اینکه بنا به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام، انسان‌ها را متوجه حقیقت و گوهر فطرت و کرامت خویش نمایند: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيََاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ

این است که دوستی و محبت زیاد به فرزندان باعث شود والدین آنچه به مصلحت خود و فرزندان‌شان نیست، انجام دهند و در واقع، خود یا فرزندان خود را به ورطه گناه و خلاف اندازند. این مطلب، از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله فهمیده می‌شود؛ ایشان در ضمن سفارشی به ابن مسعود می‌فرماید: «ابن مسعود، محبت و دلسوزی به خانواده و فرزندان تو را به ورطه گناه و حرام‌نیندازد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۰۸).

## ۲. مدرسه

کرامت را می توان به عنوان بالاترین درس تربیتی و در نتیجه، مهم‌ترین وظیفه مربیان در مدرسه و به‌طور کلی در نظام تعلیم و تربیت قلمداد نمود.

بی‌شک و با توجه به موقعیت خاصی که اسلام برای انسان در نظام هستی تعریف نموده است، کرامت انسان جایگاهی بسیار ویژه را داراست، اما نکته‌ای که درخور توجه است اینکه در تعلیم و تربیت، کرامت یک امر حیاتی و بسیار محوری تلقی می‌گردد. این مهم، در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از آیات نخستین سوره «علق» طی استدلالی در این باره می‌نویسد: «نخستین سوره‌ای که طبق نقل مشهور، بر وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده، سوره علق است که از خداوند سبحان، با وصف "اکرم" یاد کرده است: ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛ ذکر وصف خاص برای معلم، اشاره به آن است که تعلیم او، در محور همان وصف است؛ مثلاً، اگر گفتند: فلان مهندس یا پزشک درس می‌دهد؛ یعنی درس هندسه و پزشکی می‌دهد. اگر گفتند: معلم اکرم به شما درس می‌دهد؛ یعنی درس کرامت می‌دهد. تعلیق حکم بر وصف خاص معلم، بیانگر محور تعلیم اوست؛ خدای

اینجاست که توجه به کرامت ناب انسانی، انگیزه‌مندی را برای آراستگی به فضایل و صفات شایسته اخلاقی در جهت ارتقای رتبه کرامت خویش دوچندان می‌نماید و نیز از سوی دیگر، چون قدر و منزلت خود را شناخته، حاضر نیست که با ارتکاب اعمال زشت و تن دادن به آلودگی‌ها گوهر وجودی و کرامت ناب خویش را لکه‌دار نماید.

نکته مهم دیگر در این ارتباط، اینکه نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه مربیان و معلمان در مواجهه خویش با مربیان و دانش‌آموزان باید به آنها به دیده امانت‌های بزرگ الهی بنگرند و در برابر آنان احساس مسئولیت نمایند. فراگیران امانت‌هایی هستند که باید برترین آموختنی‌ها یا بهترین شیوه‌ها به ایشان آموزش داده شود و به نیکوترین گونه پرورش داده شوند.

آموزش و پرورش با تکیه بر این اصل باید تأمین‌کننده کرامت و عزت فراگیران و بازکننده راه‌گزینش درست برای آنان باشد. به‌کارگیری این اصل، فراگیران را از نادیده انگاشته شدن و به هدر رفتن استعدادها باز می‌دارد. این اصل، فراگیران را از درون و مربیان را از بیرون برمی‌انگیزد که حرکتی پرشتاب‌تر و در جهت هدف آفرینش داشته باشند (باقری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۲).

**۲-۲. کرامت و هدف تربیت:** در نگرش اسلامی، هدف نهایی آفرینش انسان، در امتداد فطرت الهی اوست. براین اساس، هدف تربیت نیز جدا از غایت مذکور نیست و می‌توان گفت که هدف نهایی تربیت انسان از نگاه اسلام، هدایت و رسیدن به قرب الهی و ربوبی شدن انسان است (رهنمایی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰).

«غایت تربیت، حرکت در صراط مستقیم است، و منتهی‌الیه این صراط مستقیم، کمال مطلق است، الله است. دعوت شده‌ایم که ما تحت تربیت انبیا برویم و تحت تربیت بزرگان از اولیا واقع بشویم تا آنها ما را هدایت کنند

وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالتَّبْلِيغِ وَيُثَبِّتُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۵۹۸)؛ در میان انسان‌ها پیامبرانش را فرستاد تا پیمان فطرتش و نعمت‌های فراموش شده را به آنها یادآور شوند و با تبلیغ رسالت الهی، حجت را بر ایشان تمام کرده و ایشان را متوجه گوهر پنهان وجودشان نمایند. پاسخ مبرهن و گویای حضرت ابراهیم علیه السلام در رویارویی وی با بت‌پرستان زمان خویش، نمونه روشنی از این وظیفه مهم می‌باشد؛ آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَرَجَعُوا إِلَي أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (انبیاء: ۶۴)؛ در این هنگام مردم به ضمیرهای خویش مراجعه کردند و گفتند: شما خودتان ستمگرانید.

اکنون و با الهام از نقش تعلیمی انبیای الهی و نوع روشی که در فرایند هدایتگری خویش از آن بهره‌جسته‌اند، می‌توان به واقعیتی بسیار مهم اشاره نمود و آن اینکه معلمان و مربیان در نظام آموزشی اسلامی نیز باید همواره این مهم را در سرلوحه آموزش و تربیت خویش قرار دهند؛ یعنی با گفتار و رفتار خود، دانش‌آموز را متوجه نمایند که او به‌عنوان خلیفه‌الله موجودی اشرف و باکرامت است و این گوهر کرامت با هیچ چیزی در این دنیا قابل معاوضه نیست. چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «فَلَيْسَ لِأَنفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا بِغَيْرِهَا» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۱)؛ بهای وجود شما جز بهشت نیست؛ پس آن را جز به آن نفروشید.

بنابراین، مربیان و آموزگاران باید به گونه‌ای احساس کرامت و عزت را در فراگیران برانگیزانند که باورش‌شان شود دست یازیدن به کارهای پست به منزله دور شدن از جایگاه خلیفه‌اللهی او و آلوده کردن گوهر انسانیت اوست و پیروی کردن از خواسته‌های نفسانی، چیزی جز برده ساختن و زبون کردن عقل و روح ملکوتی و الهی در انسان نیست.



به کارگیری روش‌های دیگری را ایجاب می‌کند. بنابراین، آنچه که بیش و پیش از همه چیز باید برای مربیان و معلمان حایز اهمیت باشد توجه به لزوم آموزش کرامت به عنوان یک نکته و اصل مشترک در تمام مقاطع و مراحل تعلیم و تربیت است و اینکه در عین تنوع و تفاوت استعدادها و ظرفیت‌ها و در نتیجه، دشواری وصول به آن در برخی مراحل و مقاطع در میان مربیان (که امری طبیعی است)، اصل توجه به آموزش کرامت و کوشش مجدانه در جهت نیل به آن هیچ‌گاه نباید از ذهن مربیان تعلیم و تربیت دور بماند: «همچنان‌که کرامت یک وصف نفسانی است و ثبوت اوصاف نفسانی به معرفت دقیق از یک سو و تکرار عمل صالح از سوی دیگر نیاز دارد، نفوس انسان‌ها یکسان نیستند و گرایش بعضی از آنان به فضایل نفسانی بیش از دیگران است. در نتیجه، تحصیل برخی از ملکات نفسانی برای آنان آسان‌تر از دیگران خواهد بود، ولی همه انسان‌ها در لزوم آموختن و کوشیدن مشترک‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶).

۲-۳. التزام عملی معلم به اخلاق و نقش آن در کرامت‌بخشی به دانش‌آموزان: چنان‌که گذشت، اگر بخواهیم معنایی کاربردی از کرامت داشته باشیم، می‌توانیم با نظر به دو جنبهٔ ایجابی و سلبی معنای آن، کرامت را صفتی بدانیم که در نفس انسان به واسطه تنزه و اجتناب عملی از معاصی و مبادرت عملی بر فضایل پدیدار خواهد شد. منطقاً اگر معلم بخواهد در صدد انتقال این صفت و ارزش ناب الهی انسانی در تربی برآید، ابتدا باید خود متصف به آن باشد که شرط این اتصاف نیز در عمل او نهفته است.

بی‌گمان، نوع رابطهٔ اخلاقی که میان مربی و مربی برقرار می‌شود، می‌تواند مهم‌ترین نقش را در راستای پذیرش اخلاقی از سوی مربی و التزام او به ارزش‌های اخلاقی و به تعبیری تربیت اخلاقی او ایفا نماید؛ چراکه در

به راه مستقیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۰۳). بدیهی است با چنین غایتی برای انسان، کرامت باید به عنوان یک ضرورت در جریان تربیت وی برای رسیدن به آخرین مرحله تربیت، یعنی رسیدن به مقام قرب ربوبی شدن، مورد توجه مضاعف مربیان قرار گیرد.

اهداف تعلیم و تربیت باید متناسب با کرامت انسان و در شأن او باشند؛ از این رو، اهداف باید به گونه‌ای انتخاب شوند که زمینه رشد و حرکت کمالی انسان را فراهم کنند و از حیث رتبه و شأن منطبق با شأن و ارزش و کرامت فرد در مرتبه بالاتری قرار گیرند. البته این به معنای نادیده گرفتن اهداف میانی (واسطه‌ای) در تعلیم و تربیت نیست، بلکه منظور این است که این اهداف واسطه‌ای نیز باید در راستای هدف نهایی قرار گرفته و از مسیری که ضرورتاً باید منتج به هدف نهایی (قرب الهی) انسان شود، خارج نگردند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۷۵).

بنابراین، در فرایند تربیت حتی در تدوین اهداف واسطه‌ای تربیت نیز، کرامت انسانی باید مدنظر قرار گیرد و هیچ هدفی را نمی‌توان تصور نمود که ارزش کرامت انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند در روی زمین، در آن مغفول باشد. به علاوه، در تدوین محتوای تربیت و متون آموزشی، شیوه‌های تربیت، به کارگیری ابزار تربیت و اساساً در تمام مراحل تربیت این امر باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

از این رو، باید توجه داشت که تکریم مربی در هیچ مقطع سنی استثنا‌بردار نیست و به عبارت دیگر، در اصل ضرورت رعایت کرامت، هیچ تفاوتی بین مقاطع مختلف سنی نیست، بلکه آنچه متفاوت است چگونگی اجرای این مهم است. به گونه‌ای که مقطع کودکی یا نوجوانی، اقتضا دارد به شیوه‌ای خاص مسئله کرامت مورد اهتمام واقع گردد، درحالی‌که در مقطع بزرگسالی یا جوانی،

گوش کنی» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۰).  
 به تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه، «اساس عالم بر تربیت انسان است» و متناظر با همین حقیقت هستی، جایگاه معلم در این نظام هستی مرتبه‌ای خاص به خود می‌یابد، عالم مدرسه است و معلمین این مدرسه، انبیا و اولیا هستند و مربی این معلمین خدای تبارک و تعالی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۵۳). ایشان با خطاب به معلمان می‌فرمایند: «شغل شما انسان‌سازی است، معلم انسان درست می‌کند، انبیا آمدند از اول، هر نبی‌ای آمده است، تا آخر، فقط شغلش این بوده که انسان درست تربیت بکند، شغل معلمی همان شغل انبیا است» (همان، ج ۱۳، ص ۲۶۵).

اینکه از معلمی در راستای وظیفه هدایتگری انبیا تعبیر می‌گردد، خود، نشان‌دهنده عظمت این جایگاه است. حال اگر به این مهم در کنار آیات قران کریم که وظیفه و رسالت انبیای الهی در آنها بیان شده، دقت شود، نتیجه مهمی به دست خواهد داد و آن اینکه رسالت اصلی معلمان نیز همان هدایتگری آنهاست، در پرتو تزکیه و تعلیم متریان.

همچنین ایشان در این مقام، در نظام بشری سه دسته معلم را معرفی می‌نمایند: «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که «إِخْرَاجَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» آنهایی که «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷) همین سِمَت معلمی است. خدای تبارک و تعالی این سِمَت را به خودش نسبت می‌دهد که خدای تبارک و تعالی ولی مؤمنین است؛ و آنها را از ظلمات اخراج می‌کند به سوی نور. و معلم اول خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به وسیله انبیا و به وسیله وحی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت؛ دعوت می‌کند به کمال؛

تربیت اخلاقی، معلم از دو طریق می‌تواند عمل کند؛ یکی، از طریق دادن آگاهی‌ها و بینش‌های اخلاقی به شاگردان و دیگری (که مهم‌تر نیز به نظر می‌رسد)، از راه ارائه الگوی رفتاری، و با استفاده از نقش الگویی خود در مقابل دانش‌آموزان. معلم اگر از نظر عاطفی و معنوی در افراد نفوذ کند، گفتار و رفتارش در زمینه‌های اخلاقی، شکل الگویی برای شاگردان پیدا می‌کند و می‌تواند افراد را متحول سازد. براین اساس، تخلق و التزام عملی به بایدهای اخلاقی و اجتناب عملی از ناپایدها از سوی معلم، می‌تواند زمینه اصلی گرایش به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی را در متریان و شاگردان فراهم آورد. بنابراین، از این جهت نقش معلم در تربیت و ساختن دانش‌آموز به‌عنوان یک انسان که تمام سرمایه او کرامت انسانی اوست بسیار حیاتی می‌نماید.

تأکیدات فراوانی در اسلام نسبت به جایگاه خطیر معلم شده است، حتی در اسلام، معلم به منزله پدر و جایگاه این دو در کنار هم معرفی شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «اب معلمک» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۸، ص ۴۵۶)؛ پدر تو، آموزگار توست. یا در روایتی، امیرمؤمنان رضی الله عنه فرمود: «برای تکریم پدر و معلم خود از مکان جلوس خود برخیز، هرچند امیر باشی» (همان، ص ۴۶۵).

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ایشان هدف ارسال خویش از سوی خداوند متعال را تعلیم معرفی می‌نمایند: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۰، ص ۱۴۷)؛ من برای آموزش مردم، از طرف خدا فرستاده شده‌ام.

اولیای دین و بزرگان، در رابطه با پاسداشت جایگاه رفیع معلم، همواره توصیه‌های مهمی فرموده‌اند. امم زین‌العابدین رضی الله عنه در کتاب شریف *رسالة الحقوق* می‌فرمایند: «حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس، محترم بداری و به نیکویی سخنانش را

مُبیین ﴿ (جمعه: ۲) (اوست خدایی که میان عرب امی، پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آنها را پاک سازد، شریعت و حکمت الهی بیاموزد، هرچند پیش از این در گمراهی بودند)، می‌نویسد: در این آیه شریفه، تزکیه جلوتر از تعلیم کتاب و حکمت ذکر شده است و در دعای ابراهیم (بقره: ۱۲۹) تعلیم کتاب و حکمت جلوتر از تزکیه ذکر کرد و این بدان جهت بوده که آیه مورد بحث در مقام توصیف تربیت رسول خدا ﷺ بر مؤمنین است. در مقام تربیت، تزکیه مقدم بر تعلیم علوم حقه و معارف حنیفه است و اما در دعای ابراهیم، مقام، مقام تربیت نبوده است و تنها دعا و خواست بوده است. معلوم است در عالم محقق خارج اول علم پیدا می‌شود بعد تزکیه؛ چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق محقق می‌یابد. پس اول باید اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم باشد و بعد به آنها عمل کرد تا به تدریج زکات (پاکی دل) به دست آید؛ لذا تزکیه در مقام تربیت [و انسان‌سازی] بر تعلیم علوم و به معارف حقیقی، مقدم است و در مرحله تحقق و پیدایش، علوم و معارف بر تزکیه تقدم دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۴۷).

همچنین امام خمینی رحمته الله علیه در تفسیر آیه شریفه ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (آل عمران: ۱۶۴) (خدا بر اهل ایمان منت گذاشت، رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را پاک گرداند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد؛ هرچند قبلاً در گمراهی آشکار بودند)، می‌گوید: «خدای تبارک و تعالی در یک سطح، آموزش و پرورش را ذکر می‌فرماید و در هیچ چیز از امور دنیایی، خدا نفرموده است که من منت بر مردم گذاشتم، لکن در مورد تعلیم و تربیت با تعبیر منت

دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت؛ دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند، و آنها هم شغلشان تعلیم است؛ معلمند، معلم بشرند. آنها هم شغلشان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۲۹۱).

در کنار این جایگاه معلم، اشاره به نقش خطیر او نیز ضروری است؛ نقشی که ایفای صحیح آن در گرو التزام معلم به نکاتی است که رعایت آنها ضمانت‌بخش وظیفه تربیت و هدایتگری او خواهد بود. در واقع، این نکات ناظر به برخی صفات و بایسته‌های اخلاقی و رفتاری است که معلم باید همواره در صدد اکتساب و تخلق به این صفات و نیز تقویت آنها در نفس خویش باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین امری که معلم در راستای رسالت تربیتی خویش و به طور خاص در جهت کرامت‌بخشی به متربی، دایم باید مدنظر خود قرار دهد، التزام به فضایل و بایسته‌های اخلاقی و اجتناب از رذایل و صفات ناپسند، بخصوص در روابط خود با شاگردان و متربیان می‌باشد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین این بایسته‌ها و صفات اخلاقی می‌پردازیم:

۲-۴. تقدم تزکیه بر تعلیم در فرایند تربیتی: از یک حیث، هرچند با نظر به ظاهر امر، آموزش بر پرورش، و تعلیم بر تزکیه مقدم است و اساساً امکان تزکیه، متوقف است بر شناخت متربی، اما از جهت رتبه و اهمیت، تعلیم پس از تربیت، و آموزش پس از پرورش قرار می‌گیرد و جنبه ابزاریت برای تزکیه را دارا می‌باشد.

عَلَّامَهُ طَبَاتِبَائِي فِي تَفْسِيرِ آيَةِ شَرِيفَةِ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ

۲-۵. حفظ حرمت و شخصیت دانش‌آموز از سوی معلم: احترام عملی مربی، عاملی مهم برای ضمانت‌بخشی به تربیت اخلاقی به‌شمار می‌آید. احترام به دانش‌آموزان جریان تربیت را به مقصد خویش نزدیک‌تر می‌سازد. این ضرورت همواره باید مدنظر مربی قرار گیرد و رعایت آن حتی هنگام صدا زدن شاگردان نیز نباید مغفول بماند. بنابراین، شایسته است مربی در کلاس حتی‌الامکان تمام شاگردان را با محبوب‌ترین نام‌ها و القاب، مورد خطاب قرار دهد و به گونه‌ای از آنان یاد کند که شخصیت آنان از گزند تحقیر مصون بماند (الهامی‌نیا و احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶). چنین تکریم اخلاقی فرد از سوی مربی، باعث می‌گردد تا اعتماد به نفس مربی برانگیخته و تقویت شود و او به ارزش وجودی خویش واقف گردد و این خود موجب می‌شود تا اعتماد مربی، به مربی خود جلب گردد و محبت او در دلش جای گرفته و او را دلسوز و علاقه‌مند به سعادت و سرنوشت خود بداند و در نتیجه، داده‌های تربیتی او را با علاقه‌مندی و اشتیاق پذیرا باشد (موسوی کاشمیری، ۱۳۷۹، ص ۷۸).

**نرم‌خویی و برخورد رأفت‌آمیز با مربی:** رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با کسی که به او علم می‌آموزید و با کسی که از او علم فرامی‌گیرید، نرم و ملایم باشید». امام سجاده علیه السلام نیز طی سفارشی، معلمان را از تندخویی با مربیان برحذر می‌دارند: «حق شاگرد تو این است که بدانی خداوند، به واسطه علم و دانشی که به تو داده و از خزانه‌های [دانش] خود برای تو گشوده، تو را سرپرست شاگردانت ساخته است. بنابراین، اگر مردم را خوب آموزش دهی و با آنان درستی و بدرفتاری نکنی و از تعلیمشان به ستوه نیایی، خداوند از فضل خود بر دانش تو بیفزاید. اما اگر دانش خود را از مردم مضایقه کنی یا وقتی برای آموختن دانش نزد تو آمدند با ایشان درستی و

گذشتن بر مردم می‌فرماید: منت گذاشته و پیغمبر را برای آموزش و پرورش فرستاده، و پرورش را قبل از آموزش ذکر می‌فرماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۱۲). از این رو، معلم موظف است ضمن انتقال علم به شاگردان، آنان را با طریق خودسازی و پالایش فکر و قلب آشنا سازد، چنین وظیفه‌ای بیشتر با عمل، انجام می‌گیرد تا گفتار؛ زیرا رفتار و گفتار معلم، خواه‌ناخواه الگوی متعلمان قرار می‌گیرد و الگو باید زیبا و پسندیده باشد (الهامی‌نیا و احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

در این رابطه، از دیگر اموری که معلم باید همواره نصب‌العین خود قرار دهد، این است که قبل از تربیت دیگران و بلکه به‌عنوان شرط تأثیرگذاری تعلیم، باید پیش‌تر و بیشتر از مربی به اصلاح خود همت گمارد، و مقدم بر تربیت مربی، اصلاح نفس خویش را به‌عنوان یک وظیفه، سرلوحه کار خویش قرار دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ص ۵۶).

نکته مهم در روایت اینکه پیش از آموزش لسانی و توصیه مربیان به فضایل اخلاقی، خود مربی عملاً نفس خویش را تأدیب نماید، چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزهایی که خود عمل نمی‌کنید به مردم می‌گویید؟

«انسان اول از خودش شروع کند، ببیند خودش چه اعوجاجاتی دارد انسان از خودش باید شروع کند. باید کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را، باید قبلاً خودشان تزکیه شده باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۷۷).

اثرپذیری اخلاقی از معلمان خواهد داشت؛ از این رو، ثمردهی مطلوب در تربیت، نیازمند به فضایی آکنده از صفا و معنویت است که معلم با تواضع و فروتنی خویش آن را به وجود می‌آورد؛ معلم هرگز نباید به سبب دانش خویش، خود را از آنان برتر بداند، بلکه باید همچون درختی پربار در برابر آنان فروتنی و ثمردهی کند (الهامی‌نیا و احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳).

چنان‌که روایت می‌فرماید: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ بَعْلَمِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۶)؛ هر معلمی که بر شاگردانش فروتنی کند و در برابر دانشمندان، خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد. در روایتی دیگر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَزِينُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَالْوَقَارِ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ الْعِلْمَ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عُلَمَاءِ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبُ بِاطْلُكُمْ بِحَقِّكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۶)؛ دانش طلب کنید و همراه آن، با بردباری و وقار، خود را بیارابید و برای دانش آموز و آموزگار خود تواضع کنید و دانشمندی گردن‌فراز نباشید که باطلتان، حقتان را از بین خواهد برد.

نتیجه آنکه شرط اساسی پرورش کرامت اخلاقی در تربی، آن است که قبل و بیش از دیگران، خود، متصف به کرامت باشد و این هم مبتنی است بر التزام وی به جهات اخلاقی، بخصوص در ارتباط او با مربی؛ از این رهگذر، مربی به واسطه پیوند عاطفی و رفتاری که با مربی برقرار می‌سازد سعی در الگوگیری از او می‌نماید، و این خود زمینه پرورش و تقویت کرامت اخلاقی را در مربی پدید می‌آورد.

۲-۷. نقش دوستان و همسالان در محیط مدرسه: بخش عظیمی از کرامت شخصیتی انسان مرهون روابطی است که شخص در محیط جامعه با همسالان خویش برقرار

بدرفتاری کنی، بر خداوند - عزوجل - سزاوار است که علم و شکوه آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را از دل مردم بیندازد» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۳ق، ۲۶۱).

۲-۶. اخلاص در نیت و اجتناب از نگاه تاجرانه به مقوله تعلیم و تربیت: یکی از مسائلی که نقش مهمی در اثرگذاری و ضمانت‌بخشی به تلاش‌های معلمان در راستای تکلیف هدایتگری ایشان دارد، توجه به امر نیت در وظایف تربیتی‌شان می‌باشد و اینکه به معلمی و اساساً به تعلیم و تربیت به‌عنوان یک حرفه و شغل در کنار سایر مشاغل نگاه نکنند، بلکه آن را رسالتی ببینند که خداوند متعال در میان بندگان، آنها را مختص این عنایت فرموده است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۵۶). با دقت در این روایت، می‌توان دریافت که نوع نگاه معلم در خصوص مسئله اجرت در قبال تعلیم و تربیت براساس نیتی است که در کار خویش دارد. به عبارتی، «اجرت» و «هدیه» هرچند از جهت مصداقی مشترک هستند، ولی همین مصداق مشترک، با نظر به هدیه بودن آن، یک اثر خاص در رفتار معلم می‌گذارد؛ تأثیری که نگاه تاجرانه به همان مبلغ، آن اثر را دارا نمی‌باشد.

عالم و متعلم نباید بر هیچ‌کس و بر هیچ چیز متکی باشند، بلکه باید زمام امور خود را در زندگانی به خداوند متعال واگذار کنند تا از این رهگذر، نفحات قدس الهی و الطاف پاکیزه پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند بر او تجلی کند و مشکلات وی حل و گشوده شود و امور زندگی او به صلاح باز آید (شهید ثانی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱).

در همین رابطه، تواضع از سوی معلم، یکی از نکاتی است که تأثیر بسزایی در گرایش بیشتر فراگیران به سوی معلم و تقویت انگیزه آنها در جهت تعلم و همچنین

اگر محیط خانوادگی و محیط آموزشی مناسب بود، اما محیط رفاقتی مناسب نبود، این رفاقت، آنچه را که در محیط خانواده و آموزش ساخته شده بود، ویران می‌کند.

در برخی موارد می‌توان گفت که «تربیت» از عناوین قصیده نیست؛ از جمله در دوستی‌ها، که طی آن، به واسطه تکرر رابطه‌ها معاشرت‌ها به تدریج روی ناخودآگاه شخص اثر می‌گذارد و در نهایت، شخصیت او را می‌سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام ذیل آیه شریفه «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۶۷) (آن روز دوستان دنیایی دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران)، می‌فرماید: «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ وَ صَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ وَ الْخَلْقُ أَشْكَالٌ» «فَكُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) وَالنَّاسُ إِخْوَانٌ فَمَنْ كَانَتْ إِخْوَتُهُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَحُوزُ عَدَاوَةً وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛ همنشینی با سفیهان، عقل را فاسد و مجالست با عاقلان اخلاق انسان را نیکومی‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۸۲). در این روایت، بر «ملکه‌ساز بودن معاشرت و دوستی» تأکید شده است؛ یعنی خلق ناشی از معاشرت، برای انسان شاکله وجودی درست می‌کند و باطن او را می‌سازد.

مضرات همنشینی با دوست ناصالح به گونه‌ای است که حتی در برخی روایات، تنها ماندن، نسبت به مصاحبت با دوست غیرصالح ترجیح داده شده است، و این حاکی از جنبه‌های بسیار مهم اثرپذیری شخصیت انسان در مواجهه با چنین افرادی می‌باشد. چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «به تنهایی انس بگیری بهتر از این است که رفیق بد بگیری» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۱).

### نتیجه‌گیری

زمینه شکل‌گیری بسیاری از صفات اخلاقی، خانواده

می‌نماید و در برخی موارد، این روابط می‌توانند منشأ سعادت و شقاوت فرد نیز واقع شوند. بر همین اساس، در اسلام بر دقت در گزینش دوست شده تأکید شده است. از این رو، عامل دوست می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهم تربیتی در پرورش کرامت شخص به‌شمار آید.

برکاتی که از ناحیه دوست خوب نصیب انسان می‌گردد و همچنین عواقب ناشی از دوست بد در زندگی مشهود می‌باشد. در روایت آمده است: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يَخَالِلُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۰۷)؛ انسان بر دین دوست خویش است، پس هر کدام از شما باید بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند. روایاتی از این دست، نشانگر تأثیر دوست در شکل‌گیری شخصیت کرامت‌محور برای افراد است. چنان‌که در بعضی از روایات، دوست به‌عنوان ملاک بدی و خوبی، دین‌داری و بی‌دینی معرفی شده است: «فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۱۹۷)؛ پس هرگاه امر کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید، به همنشینان او نگاه کنید. اگر آنان اهل دین خدا بودند، او نیز بر دین خداست و اگر بر غیر دین الهی بودند، او نیز بهره‌ای از دین خدا نبرده است.

در میان انواع روابطی که دانش‌آموزان در محیط پیرامون خود، با افراد گوناگون برقرار می‌کنند، رابطه با دوستان و همسالان تأثیر بیشتری بر شخصیت و کرامت‌مندی آنان فرد خواهد گذاشت.

محیطی که از نظر درونی، می‌تواند بر انسان اثرگذارتر باشد، محیط رفاقتی است. اگر محیط خانوادگی یا محیط آموزشی مناسب نبود، اما محیط رفاقتی‌اش مناسب بود، این رفاقت نقش تخریبی آن دو را از بین می‌برد. برعکس،

**منابع** .....

- آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین، ۱۳۵۹، شرح غررالحکم و دررالکلم، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن محمد، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- اعتمادی، عدرا و همکاران، ۱۳۸۷، «شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان»، معرفت، ش ۱۳۰، ص ۶۳-۷۱.
- الهامی‌نیا، علی اصغر و محمدرضا احمدی، ۱۳۷۸، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سیاه.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۹۲، اسلام و تعلیم و تربیت، چ نهم، قم، بوستان کتاب.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۹، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۳، کرامت در قرآن، تهران، نشر فرهنگی رجاء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لأحیاء التراث العربی.
- دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۷۸، سیری در تربیت اسلامی، چ ششم، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۱، انسان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- رهنمایی، سیداحمد، ۱۳۹۰، مکتب تربیتی علامه طباطبایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۵، روان‌شناسی رشد، تهران، اطلاعات.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۳، عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، چ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامییه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- عرب‌زاده، محمدحسین، ۱۳۹۱، شاخص‌های کرامت انسانی در

می‌باشد و محیط خانواده تأثیر زیادی بر پرورش فضایل اخلاقی، یا رشد رذایل دارد؛ بنابراین، باید سنگ‌بنای کرامت فرد را خانواده دانست. والدین در انتقال ارزش‌های اخلاقی نقش الگو را به عهده دارند و نکته مهم اینکه الگوی عملی بسیار تأثیرگذارتر از الگوی زبانی است، هرچند در خانه آموزش رسمی انجام نمی‌پذیرد، ولی والدین با رفتارهای خود به صورت اثرگذارتر زمینه تربیت فرزندان را پدید می‌آورند. در این بین، محبت نقش بسیار مهمی در تربیت و به طور خاص در شکوفاسازی احساس کرامت فرزند دارد؛ زیرا احساسات پاک کودک را شکوفا می‌سازد و به او اجازه می‌دهد با روحیه‌ای شاد و روانی آرام استعدادهای نهفته خویش را نمایان سازد.

در ارتباط با عامل مدرسه، مسئولان و اولیای مدرسه باید با در نظر گرفتن ارزش و کرامت انسان با دانش‌آموزان رفتار نمایند. از این رو، رفتار مثبتی بر کرامت انسانی و تکریم مضاعف از جانب معلمان و مدیران و مسئولان امور مدرسه با دانش‌آموزان یک ضرورت است. همچنین اهداف تعلیم و تربیت باید متناسب با کرامت انسان و در شأن او باشند؛ از این رو، اهداف باید به گونه‌ای انتخاب شوند که زمینه رشد و حرکت کمالی انسان را فراهم کنند و از حیث رتبه و شأن منطبق با شأن و ارزش و کرامت فرد در مرتبه بالاتری قرار گیرند. تخلق و التزام عملی به بایدهای اخلاقی و اجتناب عملی از نبایدها از سوی معلم، می‌تواند زمینه اصلی گرایش به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی را در متربیان و شاگردان فراهم آورد.

تأثیر همسالان و دوستان رانیز به هیچ وجه نباید در شکل‌گیری شخصیت کرامت‌محور فرد نادیده گرفت؛ زیرا در میان انواع روابطی که دانش‌آموزان در محیط پیرامون خود، با افراد گوناگون برقرار می‌کنند، رابطه با دوستان و همسالان تأثیر بیشتری بر شخصیت و کرامت‌مندی آنان خواهد گذاشت.

- الگوی پیشرفت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- فرهادیان، رضا، ۱۳۷۶، «شیوه‌های کاربردی در احیای کرامت نفس»، پیوند، ش ۲۲۰.
- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی.
- قائمی، علی، ۱۳۶۴، *خانواده و تربیت کودک*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۳ق، *اصول کافی*، ج سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کی‌نیا، مهدی، ۱۳۷۰، *مبانی جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- متقی‌هندی، حسام‌الدین، ۱۳۹۷ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، ج سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، ج هشتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه.
- موسوی کاشمیری، سیدمهدی، ۱۳۷۹، *روش‌های تربیت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مهدوی، حسین، ۱۳۹۲، *الگوی فرزندپروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روان‌شناختی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- نقدی، ۱۳۸۰، «اصل کرامت در تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی»، *علامه*، ش ۱، ص ۱۲۹-۱۳۶.